

از قصیده‌ای که در منقبت مولای متقیان (سام میرزا صفوی، ص ۱۰۵-۱۰۶) و رباعیاتی که در وصف آل‌عبا و سادات سروده (مونس‌الاحباب، نسخه خطی کتابخانه بودلیان) و نیز از دیباچه تألیفاتش، به نظر می‌رسد که شیعه بوده است. از فرزندان بیانی، نورالدین محمد مؤمن (متوفی ۹۴۷) از همه معروفتر است. وی از خوشنویسان بنام سده دهم و معلم و مربی ابونصر سام میرزا، فرزند شاه اسماعیل (سام میرزا صفوی، ص ۱۰۷)، و رئیس کتابخانه شاه طهماسب بوده است (بیانی، ج ۱، ص ۱۹۴).

بیانی از جمله شاعران متوسط دوره تیموری است. در غزل‌های خود بیشتر از عبدالرحمان جامی پیروی کرده و مثنوی خسرو و شیرین خود را به تقلید از نظامی سروده است. با اینهمه، شاعران معاصرش به سخندانی او اعتماد داشته‌اند، چنانکه در منزل او گرد هم می‌آمدند و اشعار خود را می‌خواندند (واصفی، ج ۲، ص ۱۸۶-۱۹۰). بیانی در نوازندگی نیز چیره‌دست بود (همان، ج ۲، ص ۲۴۴) و در مجلس حسین باقرقانون می‌نواخت (همان، ج ۱، ص ۴۹۴). همچنین در فن «صوت بستن» (آهنگسازی) تبحر داشت و یکی از آهنگهای او به نام «سرمست و یقم چاک» در شهر هرات شهرت بسیار یافته بود (همان، ج ۱، ص ۲۳۸).

او در خوشنویسی و تحریر انواع خطوط سلیقه و مهارت داشت و مصطفی عالی افندی (ص ۹۷) مهارت ویژه او را در چپ‌نویسی ستوده است. وی خطوط اصول را نزد مولانا عبدالله طباطبائی (متوفی ۸۹۷) و خط تعلیق را از روی خط خواجه تاج‌الدین سلمانی مشق کرد (بیانی، همانجا).

آثار بیانی عبارت است از: ۱) منشآت، شامل نشانها و فرمانها و نامه‌ها و احکام دیوانی سلطان حسین و نامه‌ها و رقعات و انشاهای دوستانه و تفتنی. این کتاب با نام شرف‌نامه به همت هانس روبرت رویمر به چاپ رسیده است (آلمان ۱۹۵۲). ۲) ترسل، سعید نفیسی (همانجا) کتابی به نام ترسل را جزو آثار بیانی درج کرده و گفته است که کودکان دبستانی خطوط مختلف و نامه‌نویسی را از روی آن می‌آموخته‌اند. می‌خواند نیز در بین آثار بیانی از کتابی به نام ترسل یاد کرده (ج ۷، ص ۲۵۷) اما ظاهراً منظورش همان منشآت بوده است. ۳) مونس‌الاحباب، مشتمل بر حدود ۱۸۰ رباعی که بیانی آن را به خواهش دوستانش از میان منشآت خود برگزیده و دیباچه آن را به نام یکی از فرزندان سلطان حسین کرده است. نسخه‌های خطی این کتاب در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ملک و بودلیان محفوظ است (منزوی، ج ۴، ص ۳۲۴۹). ۴) دیوان قصاید و غزلیات، دو نسخه خطی این اثر در کتابخانه‌های ترکیه و پاکستان موجود است (همان، ج ۳، ص ۲۲۵۳). علی ابراهیم

خلیل مؤلف تذکره صفح ابراهیم، «کلام منظوم و مدون» وی را قریب به دو هزار بیت برآورد کرده است (ج ۱، ص ۱۰۴). ۵) مثنوی خسرو و شیرین، سام میرزا (ص ۱۰۶-۱۰۷) این مثنوی را در شمار آثار ناتمام بیانی آورده و هفده بیت از آن را - که در وصف شیرین است - نقل کرده است. ۶) تاریخ شاهی، بیانی پس از کناره‌گیری از دستگاه حکومتی صفویان، وقایع سلطنت شاه اسماعیل را به نظم و نثر درآورد. تاریخ مثنوی که به تاریخ شاهی مشهور است پایان یافت، اما تاریخ منظوم با مرگ بیانی ناتمام ماند (همان، ص ۱۰۳-۱۰۴). ظاهراً اکنون از هیچیک از این دو کتاب اثری باقی نیست. همچنین به اشاره واصفی (ج ۲، ص ۳۹۷)، بیانی کتابی هم در ذکر حوادث دوران سلطنت حسین باقرقانون نوشته بوده است که از این کتاب هم اثری در دست نیست. ۷) شاهنامه منظوم، این کتاب یک مثنوی تاریخی بوده که با مرگ بیانی ناتمام مانده و به بوته فراموشی افتاده و سام میرزا (ص ۱۰۶) تنها یک بیت این منظومه را نقل کرده است.

منابع: مهدی بیانی، احوال و آثار خوشنویسان، تهران ۱۳۶۳ ش؛ علی ابراهیم خلیل، تذکره صفح ابراهیم، نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۲۹۷۲؛ غیاث‌الدین بن همام‌الدین خواندزمین، دستور الوزراء، چاپ سعید نفیسی، تهران ۱۳۱۷ ش؛ سام میرزا صفوی، تذکره تحفه سامی، چاپ رکن‌الدین همایونفرخ، تهران [بی‌تا]؛ مصطفی بن احمد عالی، مناقب هنروران، ترجمه و تحشیه توفیق ه. سبحانی، تهران ۱۳۶۹ ش؛ احمد منزوی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران ۱۳۴۸-۱۳۵۳ ش؛ محمدبن خواند شاه میرخواند، تاریخ روضه‌الصفاء، تهران ۱۳۳۸-۱۳۳۹ ش؛ سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، تهران ۱۳۶۳ ش؛ محمدبن عبدالجلیل واصفی، بدایع الوقایع، چاپ الکساندر بلدروف، تهران ۱۳۴۹-۱۳۵۰ ش.

/ سیدعلی میرافضلی /

بیانیّه، فرقه‌ای از غالیان شیعی پیرو بیان (بنان) بن سَمعان تمیمی نهدی. به عقیده این فرقه، ابوهاشم عبداللّه بن محمدبن حنفیه به امامت بیان بن سَمعان تصریح کرده و او را پس از خود امام خوانده است. بدین قرار، بیانیه از جمله کسانی هستند که امامت را از خاندان بنی‌هاشم و آل‌علی علیهم‌السلام خارج ساخته و کس دیگری را به امامت برگزیده‌اند. اینان در دسته‌بندی فرق شیعه، از جمله کِیسانیه محسوب می‌شوند که پس از حضرت علی علیه‌السلام، به امامت محمدبن حنفیه و پس از او به امامت ابوهاشم معتقد بوده‌اند (علی اشعری، ص ۲۳).

به نوشته طبری (ذیل حوادث سال ۱۱۹، ج ۷، ص ۱۲۸)، بیان و مُغیره بن سعید خروج کردند و خالد بن عبداللّه قسری،

من الغمام» (بقره: ۲۱۰) را حضرت علی علیه السلام می دانست که در توده هایی از ابر خواهد آمد در حالیکه رَعْد بانگ او و برق تبسم اوست (شهرستانی، ج ۱، ص ۲۴۶).

بیان بن سمان از مُشَبَّه بود و خداوند را دارای صورت و وجه می دانست و قائل بود که جسم خداوند از میان می رود و تنها صورتش بر جای می ماند، و به دو آیه «...كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ...» (قصص: ۸۸) و «وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (الرحمان: ۲۷) استناد می کرد (سعد اشعری، ص ۳۷-۳۸). به نوشته بغدادی (ص ۲۳۷)، بیان معتقد بود که خداوند مردی ازلی و از نور است. او بر آن بود که اسم اعظم را می داند و می تواند با آن، سپاهیان را شکست دهد و نیز با آن ستاره زهره را خطاب می کند و زهره به او جواب می دهد (همانجا). به گفته نشوان حمیری (ص ۱۶۱، ۲۶۰) نیز بیان معتقد بود که معبودش به صورت انسان است و ستارگان را می خواند و آنان به او پاسخ می دهند. به نوشته ابن اثیر (ذیل حوادث سال ۱۱۹، ج ۴، ص ۲۳۱)، بیان، علی و حسن و حسین علیهم السلام و محمد بن حنفیه و پس از او پسرش ابوهاشم را خدا می دانست.

بیانیه معتقد بودند که پس از غیبت محمد بن حنفیه، وصیت به پسر او، ابوهاشم عبدالله بن محمد، می رسد و این وصیت، وصیت پس از مرگ نیست بلکه وصیت در حال حیات است، چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، علی علیه السلام و دیگران را در غزوات خود در مدینه جانشین می ساخت. بدین ترتیب، او حجت خدا بر خلق است و مردم باید از او اطاعت کنند (سعد اشعری، ص ۳۴). به گفته سعد بن عبدالله اشعری (ص ۳۷) گروهی از بیانیه می گویند که ابوهاشم همان امام قائم است که مرده است ولی باز خواهد گشت و امامت را به عهده خواهد گرفت و مالک روی زمین خواهد شد و پس از او وصی دیگری نخواهد بود. به نوشته نوبختی (ص ۳۴)، بیان پس از فوت ابوهاشم دعوی نبوت کرد. بیانیه نیز معتقد بودند که ابوهاشم، بیان را «نبی» ساخت و آیه «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ...» (آل عمران: ۱۳۸) دلالت بر نبوت بیان دارد (سعد اشعری، همانجا). بر اساس روایات، بیان، نامه ای به امام باقر علیه السلام نوشت و او را دعوت کرد تا به نبوتش اقرار کند. امام باقر علیه السلام آورنده نامه، عمر بن عفیف آزادی، را توبیخ کرد (نوبختی؛ سعد اشعری، همانجا؛ شهرستانی، ج ۱، ص ۲۴۶-۲۴۷).

اخبار مذکور در رجال کشی دلالت بر مطرود بودن بیان از نظر ائمه شیعه دارد. در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است: «بیان بر علی بن حسین دروغ می بست و خداوند طعم گرمی آهن را به او چشاند» (کشی، ص ۳۰۲).

حاکم کوفه در زمان هشام بن عبدالملک، آنان را کشت. بنا به یکی از روایات طبری خالد، مغیره و بیان را گرفت و کشت. در روایت دیگر طبری (ج ۷، ص ۱۲۹) که مفصلتر است خالد آنان را با شش یا هفت تن دیگر که خروج کرده بودند، گرفت و به طور وحشتناکی آتش زد. روایت اول که ذکری از خروج بیان و مغیره نمی کند، نسبت به روایت بعدی ترجیح دارد، زیرا بسیار بعید است که تنها شش یا هفت نفر بتوانند در زمان حاکم مقتدری چون خالد بن عبدالله و خلیفه جباری مانند هشام بن عبدالملک خروج کنند. ابن قتیبه نیز در عیون الاخبار (مجلد ۱، ج ۲، ص ۱۴۸)، هنگام سخن گفتن از کشته شدن آن دو، به خروج آنان اشاره ای نکرده است. سعد بن عبدالله اشعری (ص ۷۷) نیز می نویسد که خالد، مغیره را خواند و خواست تا توبه کند ولی مغیره نپذیرفت و خالد او را کشت. در اغانی (ج ۱۷، ص ۲۰) روایتی هست که به موجب آن «جعفریه» با شعار «لِیْکَ جَعْفَرُ» (ظاهراً مرادشان امام صادق علیه السلام بوده است) بر خالد بن عبدالله خروج کردند. خالد که در حال خطابه بر منبر بود به وحشت افتاد، مردم نیز نزد آنان گرد آمدند و سرانجام این خروج کنندگان دستگیر شدند. ادامه روایت همان است که در روایت طبری هست. مشابهت این دو روایت - و خصوصاً تعبیر «خَرَجُوا فِي النَّبَايْنِ» یا اَلْنَبَايْنِ - این نکته را متبادر می کند که بیان و مغیره سردمدار این شورش بودند، در حالیکه بیان و مغیره از اتباع امام صادق نبوده اند. از طرفی، واقفی (- العیون والحدائق، ص ۲۳۰) خروج بیان بر خالد قسری را به نام محمد بن عبدالله دانسته و حال آنکه قیام محمد بن عبدالله در سال ۱۴۵ بر منصور عباسی بوده است (طبری، ج ۷، ص ۵۵۲ به بعد).

بیان را از غلات شمرده اند، زیرا او به الوهیت حضرت علی علیه السلام معتقد بود و می گفت که در وجود علی علیه السلام جزئی الهی حلول کرده و با جسد او یکی شده است؛ نیز بر آن بود که علی علیه السلام از غیب خبر می داده و با همین علم غیب در جنگها شرکت می کرده و پیروز می شده است. او این سخن حضرت علی علیه السلام را که «در خیبر را نه با نیروی جسمانی، بلکه به قدرت ملکوتی از جای کردم» شاهد بر ادعای خود گرفته است (درباره سخن مذکور - ابن بابویه، ص ۴۱۵؛ مجلسی، ج ۲۱، ص ۲۶). به نظر بیان، آن نیروی ملکوتی در نفس علی علیه السلام مانند چراغ در چراغدان بوده و نور الهی نیز مانند روشنایی چراغ است. بیان می گفت که جزئی از خداوند به گونه ای از تناسخ به او منتقل شده، ازینرو شایستگی امامت و خلافت را یافته است و، این جزء الهی همان است که در آدم بود و به جهت آن شایستگی پیدا کرد تا فرشتگان بر او سجده برند. او همچنین مراد از آیه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ

بیانیه‌های الجزایر

منابع: علاوه بر قرآن؛ ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت ۱۳۹۸/۱۹۷۸؛ ابن‌بابویه، امالی الصدوق، بیروت ۱۴۰۰/۱۹۸۰؛ ابن‌تقیه، کتاب عیون الاخبار، بیروت [بی‌تا]؛ علی بن حسین ابوالفرج اصفهانی، کتاب الاغانی، ج ۱۷، چاپ علی محمد بجای، بیروت [تاریخ مقدمه ۱۳۸۹/۱۹۷۰]؛ سعد بن عبدالله اشعری، کتاب المقالات و الفرق، چاپ محمد جواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش؛ علی بن اسماعیل اشعری، کتاب مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، چاپ هلموت ریتز، ریسایدن ۱۴۰۰/۱۹۸۰؛ عبدالقاهر بن طاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، چاپ محمد محبی‌الدین عبدالحمید، بیروت [بی‌تا]؛ محمد بن عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، چاپ احمد فهمی محمد، قاهره ۱۳۶۷-۱۳۶۸/۱۹۲۸-۱۹۲۹، چاپ افست بیروت [بی‌تا]؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری: تاریخ الامم و الملوک، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت [۱۳۸۲-۱۳۸۷/۱۹۶۲-۱۹۶۷]؛ العیون و الحدائق فی اخبار الحقائق: من خلافة الولید بن عبدالملک الی خلافة المعتصم، چاپ دخویه، لیدن ۱۸۷۱، چاپ افست بغداد [بی‌تا]؛ محمد بن عمر کشی، اختیار معرفة الرجال، [تلخیص] محمد بن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد ۱۳۴۸ ش؛ محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بحار الانوار، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ نشوان بن سعید میری، الحور العین، چاپ کمال مصطفی، چاپ افست تهران ۱۹۷۲؛ حسن بن موسی نوینی، فرق الشیعة، چاپ محمد صادق آل بحر العلوم، نجف ۱۳۵۵/۱۹۳۶.

/عباس زریاب /

بیانیه‌های الجزایر، اسناد حل و فصل اختلافات ناشی از گروگانگیری و سایر دعاری مطروحه در پیشگاه دیوان دعاری ایران و ایالات متحده آمریکا. با پیروزی انقلاب اسلامی و خروج اتباع آمریکا از ایران، بسیاری از طرحها و قراردادهای میان این دو کشور فسخ شد یا به حال تعلیق درآمد و روابط ایران و آمریکا تیره شد (افتخار جهرمی، ص ۹). در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، جمعی از دانشجویان، سفارت آمریکا در تهران را تصرف کردند و ۵۲ تن از دیپلماتهای آمریکایی را گروگان گرفتند. خواسته اصلی دانشجویان که با تأیید امام خمینی رحمه‌الله‌علیه همراه شد، قطع مداخله آمریکا در امور ایران و برگرداندن محمدرضا پهلوی بود. این واقعه به قطع روابط دولتهای ایران و آمریکا، تحریم تجاری ایران از سوی آمریکا و توقیف کلیه داراییها و ذخائر ارزی ایران در آمریکا و مؤسسات آمریکایی در سراسر جهان یعنی بیرون از حوزه صلاحیت قضایی آن کشور انجامید (احمدی و استانی، ص ۱۳).

برای حل مشکلات ناشی از بحران گروگانگیری و رفع توقیف داراییهای ایران و با صلاحدید امام خمینی (ره) که در فرمان مورخ ۴ اسفند ۱۳۵۸ اعلام شد، حل و فصل مسئله دیپلماتهای آمریکایی به مجلس شورای اسلامی که در شرف

تشکیل بود، واگذار شد (امام خمینی، ج ۱۱، ص ۲۸۰-۲۸۱). در ۱۱ آبان ۱۳۵۹، مجلس شروط چهارگانه‌ای تعیین کرد که به دولت امکان حل اختلافات با آمریکا را می‌داد. این شروط از پیام امام خمینی (ره) در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به زائران بیت‌الله‌الحرام برگرفته شده و عبارت بود از: بازپس دادن اموال خانواده محمدرضا پهلوی؛ لغو تمام ادعاهای آمریکا علیه ایران؛ تضمین آمریکا به عدم مداخله سیاسی و نظامی در ایران؛ و آزاد گذاشتن تمامی سرمایه‌های ایران (روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ش ۱۱۵۸۹، ص ۲۱).

با میانجیگری دولت الجزایر، زمینه مذاکره و توافق طرفین برای حل اختلافات فراهم شد و در زمان نخست‌وزیری محمدعلی رجایی (شهادت: ۱۳۶۰)، مذاکراتی صورت گرفت که به صدور «بیانیه‌های الجزایر» در ۲۹ دی ۱۳۵۹ انجامید (افتخار جهرمی، ص ۱۹؛ احمدی و استانی، ص ۱۴).

بیانیه‌های الجزایر، از نظر حقوقی، عهدنامه‌ای بین‌المللی تلقی می‌شود، اما چون آنها را دولتی ثالث صادر کرده، در واقع، ایسن عهدنامه بر خلاف عرف معاهدات دو یا چندجانبه بین‌المللی منعقد شده است. با وجود این، دولت الجزایر در مقدمه بیانیه اول در مقام میانجی اعلام می‌دارد که تعهدات متقابل از سوی دو دولت به عمل آمده است. در مقدمه بیانیه دوم نیز دولت الجزایر رسماً موافقت دولتهای ایران و آمریکا به قرار مذکور در بیانیه را اعلام کرده است. لذا همان‌طور که مقامات دو دولت تأکید کرده‌اند، بیانیه‌های الجزایر به انعقاد توافق بین‌المللی بین ایران و آمریکا منتهی شده است. این توافق تعهدات حقوقی لازم‌الرعایه برای طرفین ایجاد کرده است که مربوط به زمان خاصی نیست و با برخورداری از تداوم و اعتبار، طرفین همواره ملتزم به آن تلقی می‌شوند (احمدی و استانی، ص ۱۵؛ اودیت، ص ۲۲۳؛ «بیانیه‌های الجزایر»، ص ۲۴۰، ۲۵۷).

بیانیه‌های الجزایر مشتمل بر سه سند است: سند اول با عنوان «بیانیه عمومی»، حاوی تعهدات کلی طرفین از قبیل آزادی گروگانها، آزادی داراییهای ایران و لغو تحریم تجاری ایران است. سند دوم درباره حل و فصل دعاری دو دولت است که به «بیانیه حل و فصل دعاری» موسوم است، و سند سوم با عنوان «تعهدات دولت آمریکا و دولت ایران»، روشهای اجرای تعهدات مالی طرفین را تعیین کرده است (افتخار جهرمی، ص ۱۹-۲۱، ۲۷).

۱) تعهدات آمریکا. نظر به سوابق مداخله‌های متعدد و همه‌جانبه آمریکا در امور ایران و با پافشاری دولت ایران در مذاکرات، آمریکا مطابق ماده یک بیانیه عمومی تعهد کرد که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، سیاسی و یا نظامی در امور داخلی ایران مداخله نکند. این تعهد به‌منزله پذیرش اولین شرط از شروط چهارگانه مجلس شورای اسلامی بود (ممتاز و رنجبریان، ص ۵۲).